

با حکم رئیس انجمن کونگ‌فو توآ کشور؛

میلاد اله یاری مسئول کمیته روابط عمومی کونگ‌فو توآ کشور شد



میلاد الهیاری با حکم رئیس انجمن کونگ‌فو توآ کشور، مسئول کمیته روابط عمومی کشور شد. به گزارش روابط عمومی انجمن کونگ فو توآ استان بوشهر میلاد الهیاری که سالها مسئولیت روابط عمومی کونگ فو توآ استان بوشهر را عهده دار بود، طی حکمی از طرف استاد موسی یحیایی ، رئیس انجمن کونگ‌فو توآ کشور، به عنوان مسئول کمیته روابط عمومی انجمن کونگ فو توآ کشور منصوب شد.



تکرار تاریخ؛

باز هم انتقال رایگان ستاره یونایتد به یووه



تاریخ در حال تکرار شدن است؛ دوباره انتقال رایگان پل پوگبا از منچستر یونایتد به یوونتوس. در ابتدای جولای سال ۲۰۱۲ سرالکس فرگوسن، سرمربی بزرگ و پرافتخار منچستر یونایتد اعلام کرد که پل پوگبا از مدت ها پیش با یوونتوس به توافق رسیده و با این باشگاه ایتالیایی قرارداد بسته است. فرگوسن به در آن مقطع همچنین پل پوگبا را به بی احترامی به منچستر یونایتد متهم کرده و از جدایی این بازیکن ابراز نارضایتی کرد.

در آن شرایط ستاره جوان و فرانسوی تمایلی به تمدید قرارداد با یونایتد نشان نداد و با انتقالی آزاد لباس یوونتوس را به تن کرد. اما بعد از سیری کردن چهار فصل فوق العاده در تورین و تبدیل شدن به ستاره ای بزرگ و پرترفدار در کلاس جهانی، در تابستان سال ۲۰۱۶ این بار منچستر یونایتد با پرداخت ۴ میلیون پوند، گران ترین خرید وقت تاریخ فوتبال را رقم زد و موفق به جذب پل پوگبا از یوونتوس شد.

اما دوران شش ساله حضور این بازیکن در اولدترافورد چندان خوب پیش نرفت و حالا پل پوگبا بدون فتح یک عنوان قهرمانی در لیگ برتر و حتی رسیدن به جمع چهار تیم برتر لیگ قهرمانان، یونایتد را دوباره احتمالا به مقصد یوونتوس ترک می کند. جالب اینجاست قرارداد پل پوگبا با یونایتد به اتمام رسیده و دقیقا بعد از ۱۰ سال، یوونتوس یک بار دیگر این بازیکن را با انتقالی آزاد، به صورت رایگان و بدون پرداخت حتی یک یورو به باشگاه انگلیسی جذب می کند. به نظر می رسد خود پل پوگبا نیز به این نتیجه رسیده که در هیچ باشگاهی به اندازه یوونتوس برای او فرصت درخشش فراهم نیست و او قصد دارد روزهای طلایی خود بین فصل ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ را دوباره در تورین تکرار کند.

« شوت

دلم برایت تنگ شده ناصر؛ دنیا بدون تو جای ترسناکی است!

دوم خرداد سالگرد درگذشت ناصر خان حجازی است، به این مناسبت به سراغ خانم بهناز شفیعی رفتیم که ناصر خان همواره از او به عنوان اولین و آخرین عشق زندگی‌اش یاد کرده بود. او چهار دهه همراه و شریک مردی بود که لحظه‌ای ناب و خاطره‌انگیزی را در کنار یکدیگر رقم زدند. بخش هایی از حرف های تازه خانم شفیعی را در زیر می‌خوانید:

*ماجرای من و ناصر جالب است. ما هم دانشگاهی بودیم، در دانشگاه یک کافی شاپ داشتیم که دور هم جمع می‌شدیم. حرف می‌زدیم و چای می‌خوردیم، من با دوستانم بودم و ناصر با دوستانش، آن روزها تمام ملاقات ما در دانشگاه شکل می‌گرفت. رابطه‌ها محدود بود. هفته‌ای چند بار این اتفاق تکرار می‌شد و ناصر ورزشکار بود و برای خودش برو بیایی داشت اما هیچ وقت در محیط دانشگاه خودش را نمی‌گرفت و مغرور نبود. هر وقت به من می‌رسید از درس و کلاس‌ها می‌پرسید و وقتی می‌خواستیم خداحافظی کنیم می‌گفت مواظب خودتان باشید. *شش ماه گذشت، در این شش ماه فقط در دانشگاه همدیگر را می‌دیدیم البته ما در منزل تلفن داشتیم اما تلفن بالای سر پدرم بود و هیچ‌کس جرات نداشت دست به آن بزند. شاید هر چند وقت یکبار به منزل ما زنگ می‌زد و در چند کلمه حرف می‌زدیم. او می‌گفت سلام حالت خوب است و من جواب می‌دادم مرمی و تلفن را قطع می‌کردیم. *در تمام طول سال‌هایی که زندگی کردیم ناصر حتی یک بار به من نگفت دوستت دارم و عاشقت هستم. اصلا همچین آدمی نبود که بخواهد عشقش را به زبان بیاورد، او با رفتارش ثابت می‌کرد، مثلا وقتی مردی حاضر می‌شود به خاطر خانواده‌اش راهی بنگلادش شود و در طول روز فقط وعده غذایی‌اش چند عدد موز باشد یا تمام پولی که می‌گرفت در اختیار من می‌گذاشت یعنی عاشق زن و زندگی‌اش هست.

*ناصر در خانه دیکتاتور بود، یک دیکتاتور دوست داشتنی که اگر ۱۰۰هه بار در زندگی‌ام به عقب برگردم باز حاضر هستم با همین دیکتاتور ازدواج کنم. من خودم هیچ وقت به آتیلا و آتوسا نگفتم‌ام دوستان دارم. یعنی دلیلی ندارد که مدام به بچه هایم بگویم دوستان دارم و عاشقتان هستم. این چه رفتاری است که پدر و مادرهای امروزی انجام و به بچه‌هایشان باج می‌دهند!

*ناصر وقتی می‌خواست با بانک تجارت قرارداد امضا کند مدیرعامل تیم می‌گوید شماره حسابتان را بدهید تا پول را به آن واریز کنیم. او می‌گوید من شماره حساب ندارم و پول را به حساب همسرم واریز کنید. مدیرعامل تیم به منزل ما زنگ زد و گفت الان سر میز قرارداد هستیم و ناصر خان می‌گوید شماره حساب ندارد و ما می‌خواهیم همین الان پول بریزیم که خیالمان راحت شود. گفتم بنده خدا راست می‌گوید، حساب پس‌انداز بانک سپه داشتیم و آن را دادم تا پول را واریز کنند یا چند بار پیش آمد که به پمپ بنزین شمس‌آباد رفته بود و پول برای پرداخت نداشت، زنگ زد به من و گفت بیا اینجا پول ندارم.

« دروازه

تمجید ویژه و خاص رییس پورتو از ستاره ایرانی

پینتو داکوستا: مهدی طارمی؛ مار خوش خط و خال

مهدی طارمی، مهاجم ایرانی، شب گذشته هم ستاره تیمش در دیدار فینال جام حذفی پرتغال بود. مهدی طارمی در طول این فصل همیشه یکی از بازیکنان برجسته تیمش و البته فوتبال پرتغال بود. از نظر بسیاری این بازیکن در دیدارهای متفاوت تمارض کرده یا داوران را وادار کرده که برای تیمش پنالتی بگیرند اما از نظر جمعی دیگر، او قربانی کمپین‌هایی بوده که علیه این بازیکن و تیمش شکل گرفته است.

در نهایت شرایط برای او و پورتو چندان تفاوتی نداشته و آنها توانستند با یک دبل دیگر فصل را به پایان برسانند. او در این فصل رشد بسیاری داشت، خصوصا در نیم فصل دوم بدون لوئیس دیاز که پستش تا حدودی تغییر کرد و حضورش در پست‌های دفاعی‌تر برای جستجوی فضای بین خطوط باعث شد که عملکرد بهتری داشته باشد.

وقتی مقاله‌ای در یکی از روزنامه‌های نزدیک به اسپورتینگ منتشر شد و این بازیکن ایرانی را «مار خوش خط و خال» خواند که وظیفه گرفتن پنالتی را برعهده دارد، پینتو داکوستا، رئیس باشگاه پورتو، به دفاع از او برخاسته و گفت: «بعضی افراد او را مار خوش خط و خال خطاب می‌کنند، شاید طارمی چنین فردی باشد اما او مارمولک خوش خط و خال و خاصی است چون این باعث عصبانیت دیگران می‌شود، خصوصا وقتی چنین واکنش‌های نژادپرستانه‌ای را برمی‌انگیزد که همه ما به خوبی آن را تشخیص می‌دهیم. هیچکس هیچ کار اشتباهی انجام نداده اما شما به همین روند ادامه داده و به هرکسی که می‌خواهید توهین می‌کنید».

طارمی در گفتگو با روزنامه نوتیسیماس اظهار داشت: « فکر می‌کنم فصل بسیار خوبی داشتم. هرگز به هیچ حریفی بی‌احترامی نکردم اما افرادی از سایر باشگاه‌ها به من بی‌احترامی کردند. من هرگز پاسخی ندادم. فکر می‌کنم



*ناصر یک پیکان جوانان داشت که وقتی می‌آمد دانشگاه دنبالم تا بیرون برویم باید از کنار مدرسه دخترانه می‌گذشتیم. دخترها از ماشین بالا می‌آمدند و بدترین الفاظ را به کار می‌بردند، بدترین حرف‌ها و ناسزا می‌گفتند. آنها معتقد بودند حجازی نباید در سن ۲۲ سالگی ازدواج می‌کرد. من همه این صحنه‌ها را می‌دیدم و فقط می‌خندیدم. هواداران درب منزل ما می‌آمدند و خودم ناصر را مجبور می‌کردم که بیرون برود و با آنها حرف بزند، می‌گفتم اینها برای دیدن تو آمده‌اند، قهرمانشان هستی و باید احترام بگذاری، من می‌دانستم ناصر نجیب است و شریک زندگی‌اش را انتخاب کرده است. زندگی ما بر پایه اعتماد و راستگویی بود. من همیشه به جوان‌ترها نصیحت می‌کنم که در زندگی به یکدیگر اطمینان داشته باشید چرا که ریشه بیشتر اختلافات بی‌اعتمادی است.

*اگر در خاطراتان باقی مانده باشد ناصر چند سال پیش هدایت باشگاه دی استرداد اسلواکی را بر عهده داشت، نتایج خوبی با این تیم گرفته بود و حتی شانس زیادی داشت تا در لیگ قهرمانان آسیا حاضر شود. یک روز با من تماس گرفت و گفت سرماخورده ام و لباس گرم ورزشی برایم تهیه کن و به اتريش بیا، من خودم را به آنجا رساندم، دیدم شرایطش اصلا خوب نیست و نمی‌تواند راه برود. درد زیادی دارد، وقتی وضعیت را این طور دیدم گفتم باید سریع به ایران برگردیم تا تحت مداوا قرار بگیریم، می‌گفت من تیمم شرایط حساسی دارد و نمی‌توانم بالای سر تیمم باشم. هر طور شده بود او را به زور به تهران آوردم و تیم را به مربی اتریشی استرداد سپرد. چند ماه بعد از حقیقت تلخ با خبر شدیم اما اجازه ندادیم خودش بفهمد به سرطان مبتلا شده است. با همه دکترها، خیرنگاران، مجریان

تست بازیکن سرشناس والیبال ایران مثبت شد؛ ماده کوکائین خیرنگار فعال ورزشی خبر شوکه کننده‌ای را در صفحه توئیتر خود منتشر کرده است. به نوشته هدیه خطیبی طبق نتیجه آزمایش مواد نیروزا در جام باشگاه‌های آسیا ، تست یکی از ملی‌پوشان والیبال ایران که از تیم ملی هم جدا شده است، مثبت شده است.

« شوت

« شوت

« شوت

تالویزیون، همه و همه حرف زده بودم تا مبدا این راز فاش شود، به خودش گفت به خاطر سرمای شدید اروپا ذات الریه شدید گرفته‌ای و باید آمپول‌های قوی بزنی که ممکن است موهایت بریزد، او هم باور کرده بود. *یک روز ناصر بیرون رفته بود، یک مجله خانوادگی به نام ... عکس بزرگ ناصر را زده و نوشته بود حجازی به سرطان ریه مبتلا شده است. سر ظهر بود، همیشه میز ناهار را می‌چیدم تا او بیاید و در کنار هم ناهار را صرف کنیم، دیدم با عصبانیت آمد و مجله را روی میز پرت کرد و گفت، چرا به من دروغ گفتی؟ چرا حقیقت را از من پنهان کردی؟ من گفتم ناصر اینها دروغ نوشته‌اند، حقیقت ندارد. او باور نمی‌کرد و مدام می‌گفت تا حالا در زندگی هیچ وقت به من دروغ نگفته بودی. گفتم ناصر جان من دروغ نگفتم و اگر این بیماری هم باشد دکترا به من چیزی نگفته‌اند. او ناهار نخورد و به اتاقش رفت و درب را بست، من بیرون رفتم و چند ساعت فقط گریه می‌کردم، با خودم می‌گفتم چرا بعضی‌ها حاضر می‌شوند به خاطر پول و تیراژ بیشتر از من؟ چنین روحیه قهرمان و اسطوره کشورشان را خراب کنند، ناصر عاشق زندگی بود و با روحیه زیاد مشغول درمان بود اما به یکباره روحیه‌اش را باخت!

*در خانه مشغول نمایش فوتبال بودیم که آرش برهانی گل زد. استقلال هر وقت گل زد او خوشحالی می‌کرد اما من دیدم هیچ واکنشی از خود نشان نداد. گفتم ناصر استقلال گل زد، گفت جدی؟ گفت ندیدی؟ گفت نه! این برای من عجیب و غیر قابل باور بود، سریع به دکتر زنگ زدم و گفت او را به بیمارستان بیاورید. به آی‌سیو منتقل شد. او اجازه نمی‌داد کسی لباس‌هایش را عوض کند و فقط خودم باید این کار را انجام می‌دادم. شب خوابیدم، فردا ظهر بود که با آتیلا بیمارستان بودیم، من یک لحظه رفتم پایین دیدم آتیلا زنگ زد و گفت سریع خودت را برسان، همه پزشکان بالای سر بابا رفتند، من دیدم، تو آی‌سیو راهم نمی‌دادند، با لگد محکم به درب زدم و گفتم من باید بالای سر ناصرم باشم.

*یک روز فرهاد مجیدی ۱۰ دقیقه دیر سر تمرین استقلال رفته بود و ناصر به او اجازه تمرین نداده بود و گفته بود به منزل برگردد. استقلال دو روز بعد بازی داشت و این یعنی می‌خواست فرهاد را از فهرست بازی کنار بگذارد، او با منزل ما تماس گرفت و ماجرا را شرح داد و درخواست کرد وساطت کنم تا به تیم برگردم.*وقتی تمرین تمام شد و به منزل برگشت به او نگفتم که مجیدی تماس گرفته است، او عادت داشت وقتی چای می‌خورد درد دل می‌کرد و گرنه همانطور که گفتم کسی جرات نداشت درباره فوتبال با وی حرف بزند، چاپش را خورد و گفت امروز فرهاد مجیدی ۱۰ دقیقه دیر سر تمرین آمد و اخراجش کردم. من دیدم که خودش حرف را شروع کرده است گفتم ناصر حالا او جوان است، بهترین بازیکن تیمت است،۱۰ دقیقه دیر آمده است و او را ببخش.*دوست دارم فقط و فقط یکبار دیگر ناصر را ببینم و یک جمله به او بگویم؛ دلم برایت یک ذره شده است، دنیا بدون تو جای ترسناکی است.

« خبر

شه‌یار و نه بزرگ مقابل پیشنهادات داخلی

علی دایی در لیگ ایران مربیگری نمی‌کند



علی دایی قصد ندارد علیرغم پیشنهادات داخلی، بازگشت به لیگ برتر ایران را برای سرمربیگری دنبال کند.

امروز دقیقا ۷۵ه روز از آن صاحبه آتشین علی دایی گذشته و طی این مدت علیرغم بحث‌هایی که درباره بازگشت او به نیمکت مربیگری تیم‌های مختلف از پرسپولیس و ذوب آهن تا تراکتور وجود داشت، او تنها در پوزیشن یکی از اسطوره‌های تاریخ فوتبال جهان، در مراسم‌های خیریه اجتماعی و رویدادهای مهم فیفا دیده شد.

اما داغ‌ترین شایعات درباره بازگشت علی دایی بعد از قبول مدیریت رضا درویش در پرسپولیس شکل گرفت. این دو که علاوه بر همکاری در دوران سایپا، رفاقتی نیز با یکدیگر دارند، بعد از اینکه درویش به عنوان مدیرعامل پرسپولیس معرفی شد، به عنوان گزینه اصلی جانشین یحیی گل محمدی معرفی شد.

دایی که سابقه حضور روی نیمکت پرسپولیس و قهرمانی با این تیم در جام حذفی را در کارنامه دارد، بعد از اتفاقات و تصمیم عجیبی که حمیدرضا سیاسی برای پایان همکاری با وی و جانشینی حمید درخشان گرفته بود، در ادامه کار را روی نیمکت تیم‌های نفت تهران و بعد از آن سایپا دنبال کرد. اما یک اختلاف عمیق بین او و مدیریت وقت سایپا و صاحبه آتشینی که علیه مصطفی مدبر داشت، به طور کلی از فوتبال ایران کنار رفت. طی این مدت اما همواره او در بدن حواشی و شایعات مربوط به بازگشت و حضور در تیم‌های مختلفی همچون ذوب آهن، تراکتور و البته پرسپولیس قرار داشت. حتی در مقطعی نیز بحث جانشینی کارلوس کی‌روش و حتی مارک ویلموتس نیز حول نام شهریار فوتبال ایران شکل گرفته بود. با این حال هر بار این موضوع به نحوی منفی می‌شد و حتی از عواملی بیرونی برای رد یا عدم صلاحیت وی نام برده می‌شد که هیچگاه هم به طور رسمی تایید نشد.

همانطور که گفته شد اما در دوران رضا درویش و با توجه به سابقه دوستی و همکاری بین او و علی دایی، شایعه حول نیمکت پرسپولیس به اوج خود رسید. با این حال درویش چه از بابت دور کردن تیمش از حواشی و چه بابت اینکه از تصمیم علی دایی اطلاع داشت، هر بار به تکذیب این موضوع پرداخت و مدعی شد که هیچ تصمیمی برای تغییر نیمکت پرسپولیس و عقد قرارداد با علی دایی نخواهند داشت. درویش به عنوان مدیرعامل پرسپولیس در این رابطه اینطور پاسخ داده است: هر روز گرینه‌ای را برای مربیگری و حضور در پست‌های مختلف مدیریتی مطرح می‌کنند تا ذهنیت اعضای تیم و باشگاه را درگیر کنند، در حالی که اصلا صحت ندارد. چنین مساله‌ای اصلا جایی در پرسپولیس ندارد که قرار باشد برای تغییرات فنی، بحثی مطرح شده باشد. البته به نظر می‌رسد بعضی به دنبال آلقاء نا امیدی به هواداران است.



مدیرعامل پرسپولیس البته بدون اینکه نامی از دایی و دیگر گزینه‌های مطرح شده برای نیمکت این تیم و جانشینی یحیی گل محمدی بیاورد، اینطور به رد این شایعات پرداخته بود: اسطوره‌ها و بزرگان پرسپولیس همه برای ما عزیز هستند. آن‌ها بخشی از پاره تن این باشگاه بزرگ را تشکیل می‌دهند. همچنین خیلی باید مراقب باشیم آن‌هایی که فضا را برای ایجاد شک و تردید درخواهد پرسپولیس و نزد هواداران مناسب می‌بینند با انتشار اخبار کذب از یک‌سو بزرگان پرسپولیس را در دنیای شایعات و فضای مجازی روبه‌روی هم قرار ندهند. علی دایی هم در آخرین گفتگویی که در رابطه با این شایعات داشته، به ایسنا اینطور پاسخ داده است: من هیچگونه مذاکره‌ای با آقای درویش برای قبول هدایت پرسپولیس انجام ندادم. نه تنها مذاکره‌ای انجام نشده بلکه من فعلا دوست ندارم در ایران مربی‌گری کنم.

مهاجم اسبق تیم ملی و باشگاه پرسپولیس البته با تحلیل شرایط نسبت به شکل‌گیری این شایعات نیز به این شکل پاسخ داده است: متأسفانه برخی با آوردن نام من می‌خواهند پرسپولیس و کادر این تیم را تحت فشار قرار دهند. اکنون در شرایطی که پرسپولیس و یحیی گل محمدی به نظر می‌رسد به همکاری دوباره با توجه به قراردادی که همچنان جاری است، نزدیک‌تر می‌شوند و گزینه داخلی دیگری نیز برای این باشگاه باقی نمانده است، باید به طور کامل حضور دایی در باشگاه را در شرایط کنونی پایان یافته تصور کرد. از سوی دیگر هم می‌توان به اظهارات علی دایی تکیه کرد که ضمن رد هرگونه گفتگو برای بازگشت به پرسپولیس، از قبول مربیگری در فوتبال ایران نیز سر باز زده است.

در خصوص دایی البته درباره تیم‌های خارجی هم چندین بار شایعاتی شکل گرفته بود که آن هم به دلایل مختلفی که این آخری مربوط به شیوع کرونا بود، نافرجام باقی ماند. در این زمینه باید منتظر ماند و دید تصمیم دایی در ادامه و آینده برای بازگشت به لیگ برتر ایران و قبول پیشنهادات یا تغییر همراه خواهد شد یا اینکه پیشنهاد قابل توجهی از فوتبال خارج از ایران نصیب وی می‌شود یا نه. دایی اما چه بخواهد و چه نخواهد بازار شایعات درباره نام او و بازگشتش به لیگ ایران در تابستان نقل و انتقالات و آماده‌سازی تیم‌ها بار دیگر داغ خواهد شد و باید منتظر تصمیم نهایی وی ماند.